حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#طرح_ترافیک

گل محمدی از تهران:

شهرداری و وزارت بهداشت نمی‌توانند تصمیمی قاطع درباره طرح ترافیک بگیرند و تصمیم‌های دقیقه نودی درباره طرح ترافیک شهروندان را نگران کرده است.

#جنگل_گچساران

نادری از گچساران:

جنگل‌های گچساران چند روز در آتش سوخت و هیچ‌کدام از مسؤولان آن‌طور که باید دل‌شان به حال شرایط جنگل‌ها نسوخت. چرا منابع طبیعی برای مدیران ما مهم نیست؟

#غیزانیه_آب

بهبانی از خوزستان:

مردم شریف غیزانیه برای تامین آب شرب با مشکل روبه‌رو هستند. این انصاف نیست که آنها در کنار چاه‌های نفت زندگی کنند، اما برای نیازهای اولیه زندگی با مشکل روبه‌رو باشند.

#بلیت_مترو

لاهوتی از تهران:

قیمت بلیت مترو با توجه به کیفیت خدماتی که مترو ارائه می‌کند، بالاست. واگن‌ها شلوغ است و تهویه برخی واگن‌ها اصلا مناسب نیست.

#ریزگرد_توفان

امیری از زاهدان:

میزان گرد و غبار در سیستان و بلوچستان بیش از تحمل ساکنان این استان است. از مسؤولان تقاضا دارم به مردم محروم این منطقه که با مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی دست به گریبان هستند بیشتر کمک کنند.

#اتوبوس_ماسک

بختیاری از تهران:

خیلی از مسافران این روزها بدون ماسک سوار اتوبوس می‌شوند و شخصی نیست به این افراد تذکر بدهد تا فاصله گذاری اجتماعی را رعایت کنند.

#کرونا_شمال

شبستری از قائمشهر:

مسافران بسیاری در چند روز اخیر به شهرهای شمالی کشور سفرکردند. متاسفانه بسیاری از آنها فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت نمی‌کنند. اگر بیماری کرونا دوباره طغیان کند چه کسی به داد ما می‌رسد.

#شنا_غریق

قنبری از کرمانشاه:

درنبود امکانات، بسیاری از جوانان برای آب‌تنی وارد مخزن سد، رودخانه و استخرهای کشاورزی می‌شوند که همواره برای آنها خطرناک است. از مسؤولان می خواهیم با احداث استخر، این خطر را از جوانان و نوجوانان دور کنند.

غذادهی دستی به حیوانات، سبب افزایش جمعیت حیوانات ولگرد مانند سگ و گربه می‌شود

شیوع کرونا ثابت کرد خیلی از افراد از روی ناآگاهی به نگهداری از حیوانات خانگی روی می‌آورند

دوستی خاله خرسه با حیوانات

میثم اسماعیلی

جامعه

موضوع نگهداری از حیوانات خانگی با وجود داشتن پیشینه نسبتا بالای آن در ایران همچنان موضوعی پرچالش است. برخی معتقدند ساده‌انگاری است افزایش میل به نگهداری از حیوانات خانگی در دهه گذشته را پای مهر و علاقه جامعه جوان ایرانی به حیوانات نوشت و برخی دیگر بر این باورند این رغبت نشات‌گرفته از تاثیرات فرهنگ زندگی غربی بر جامعه ایرانی است؛ فرهنگی که نسبت به یک دهه پیش منفذهای بسیاری برای ورود و البته تحمیل به آیین‌های ایرانی یافته است. سمت دیگر این علاقه به حیوانات خانگی هم حیوان‌ستیزی بخشی از جامعه است؛ سمتی که شاید یک شاهد بیرونی را دچار تناقضات بسیاری کند، این‌که از یک سو شاهد علاقه بخش قابل توجهی از این جامعه به حیوانات خانگی است و از سوی دیگر مدام خبر حیوان‌آزاری‌های بخشی از همین جامعه را در خبرها می‌خواند و تصاویرش را می‌بیند.

قانونگذاری‌ها هم در این رابطه به واسطه تعارضات عرفی دچار چالش بوده است، چراکه وضع یک قانون در این رابطه به نوعی تایید نگهداری از حیوانات خانگی است و عدم وضع آن باعث بی‌سامانی در این وضعیت می‌شود. فراتر از همه این نگاه‌ها، دیدگاهی هم وجود دارد که اساسا نگهداری از حیوان خانگی را امری غیراخلاقی می‌داند، دیدگاهی که معتقد است نگهداری، پرورش و حتی مهربانی با حیوانات هم غیراخلاقی است.

در این میان فراگیری ویروس کرونا مرتبه تازه‌ای از رفتار جامعه با حیوانات خانگی را به نمایش گذاشت. به یکباره بسیاری از آنها که حیوان خانگی داشتند از هراس ناقل بودن این حیوان آنها را به شکل عجیبی رها کردند. هرچند تا همین حالا هم هیچ یافته علمی مبنی بر ناقل بودن حیوانات از سوی جامعه پزشکی تایید نشده است، اما ویروس کرونا، وزنه معتقدان به این باور را که «هدف درصد قابل توجهی از افرادی که حیوان خانگی داشتند آنی نبود که باید» سنگین‌تر می‌کرد. سخت می‌توان واژه «شوآف» یا «تفاخر» را برای دلیل اصلی نگهداری از حیوانات خانگی به کار برد و شاید بهتر باشد به قول اردشیر منصوری، مدرس فلسفه علم دانشگاه تهران این رفتار را ناشی از نوعی «ناآگاهی» دانست.

برای اقبال به نگهداری از حیوانات خانگی در ایران دلایل بسیاری ذکر شده‌است. به باور بسیاری خلأ عاطفی، آسیب‌های روحی، افسردگی، ناامیدی، ناتوانی در برقراری ارتباطات اجتماعی، تظاهر و خودنمایی و تاثیر مدرنیته و فرهنگ غرب برخی از دلایل گرایش ایرانی‌ها به نگهداری از حیوانات خانگی است. اما هر چه باشد این یک سوی ماجراست و سوی دیگر آن رفتاری است که انتظار می‌رود صاحبان این حیوانات به آن آگاه باشند. همین رفتارهاست که دلیل تحت‌اختیارگرفتن حیوانات را از سوی این افراد روشن می‌کند. در همان بحبوحه ابتدایی فراگیری کرونا در ایران شاهد رهاسازی گسترده حیوانات خانگی توسط صاحبان‌شان بودیم. تقاضاها برای واگذاری حیوانات خانگی به‌ویژه در تهران به اندازه‌ای بود که بسیاری از پویش‌های حمایت از حقوق حیوانات درصدد نجات آنها بودند. در یکی از صفحات اینستاگرامی واگذاری حیوانات خانگی ایران تنها در یک روز ۲۰ آگهی برای واگذاری این حیوانات به چشم می‌خورد. این تعداد آن‌قدر هست که برخی کارکرد این حیوانات را همچون یک شیء فانتزی کارکردی تزئینی در زندگی این افراد می‌دانستند. یکی از حامیان حقوق حیوانات به جام‌جم می‌گوید تنها در یک روز هفت حیوان از این تعداد رهاشده تحت مداوای دامپزشکان قرار گرفت و پنج حیوان از این تعداد زنده نماندند.

درک جهان روانی حیوانات

درباره چرایی افزایش دراختیارگرفتن حیوانات خانگی در ایران پیش از این گفته شده است اما برای طرح این موضوع با اردشیر منصوری، مدرس فلسفه علم و اخلاق دانشگاه تهران از کلمه «شوآف» استفاده می‌کنیم. کلمه‌ای که این فعال حقوق حیوانات در همان ابتدای گفت‌وگو آن را دارای بار معنایی نامناسبی برای توضیح وضعیت موجود می‌داند. این‌که بگوییم این مساله ناشی از یک نوع رفتار نمایش‌گونه یا به تعبیری «شوآف» است ممکن است توصیف بخشی از واقعیت باشد اما به‌واقع بخش مهمی از مخاطب این موضوع از دست می‌رود. او معتقد است برای فهم بهتر این موضوع باید به لایه‌های عمیق‌تر این ماجرا نگاهی بیندازیم. منصوری به جام‌جم می‌گوید: «در رابطه با رفتار جامعه با حیوانات خانگی معتقدم که بخشی از جامعه به واسطه چشم و همچشمی، پز، مد و... اقدام به نگهداری از حیوانات می‌کنند اما باید یک لایه عمیق‌تر به این موضوع نگاه کرد و آن‌هم این است که در بحران معنای زندگی و بحران روابط عاطفی بین انسان‌ها چیزی دارد جانشین مهرطلبی و مهرورزی در رابطه انسان با انسان می‌شود و آن‌هم رابطه انسان با حیوان است. ما باید به وضعیت مدرنیته و بحران ارتباطات متمرکز شویم و آنجاست که می‌توانیم متوجه شویم ما بدون این‌که درکی از جهان روانی حیوانات داشته باشیم اقدام به نگهداری از حیوانات کرده‌ایم».

«درکی از جهان روانی حیوانات» تعبیر جالب توجهی است، اما چقدر صاحبان حیوانات خانگی در ایران به آن آگاهی دارند؟ یکی از فعالان حقوق حیوانات و صاحب کلینک دامپزشکی در ایران می‌گوید اگر تنها مراجعان به کلینیک خودمان را معیاری برای اندازه‌گیری بدانیم در خوشبینانه‌ترین حالت باید بگوییم تنها نیمی از این افراد نسبت به این موضوع آگاه هستند. هر چند وقتی با او درباره مصداق‌های این آگاهی حرف می‌زنیم، متوجه می‌شویم احتمالا آگاهی همان ۵۰ درصد هم صرفا محدود به تامین غذا و جای مناسب حیوانات است و نه توجه به درک جهان روانی حیوانات.

روی دیگر سکه محبت به حیوانات

امروزه روان‌شناسان از روان حیوان حرف می‌زنند در حالی که تا چندصدسال پیش چنین تلقی وجود نداشت. حتی مشهور است رنه دکارت سگی را به صورت زنده تشریح می‌کرده است و ناله سگ از این سلاخی را این‌طور توجیه می‌کرده که تنها شبیه صدای تیک تیک یک ماشین مکانیکی است. او معتقد بوده که چون حیوانات روح ندارند، پس درد هم ندارند. اردشیر منصوری می‌گوید: «وقتی معتقد باشیم حیوان روان ندارد، یعنی خاطره هم ندارد. گاهی ممکن است فکر کنیم حیوان تنها یک ارگانیسم است که آب و هوا و فضا مصرف و تولید مثل می‌کند و خاطره ندارد. اما روان‌شناسان طی کمتر از دو دهه اخیر ثابت کرده‌اند که حیوان ممکن است خاطره داشته باشد. یعنی گاوی که گوساله‌اش را از او جدا می‌کنند تا یک مدتی دلتنگی فرزند برای این گاو معنا دارد. به همین طریق عادت حیوان به انسان ممکن است آن خاطره را ایجاد کرده باشد و همین است که مفهومی به نام افسردگی هم ممکن است برای حیوانات معنا داشته باشد.»

هرچند باید به این نکته هم اشاره کرد که تا حدودی صاحبان حیوانات خانگی هم حق دارند نسبت به این موارد ناآگاه باشند؛ چراکه این مفاهیم نه در رسانه‌های رسمی منتشر شده‌است و نه ردی از آنها در کتاب‌های آموزشی و درسی وجود دارد. همین‌هاست که به باور این مدرس فلسفه علم برچسب «شوآف» زدن به رفتار این افراد، تنزل همه این مفاهیم به یک نکته است. باید توضیح داد آنچه دارد در سبک زندگی خانواده‌های اغلب مرفه طبقات بالای جامعه تحت عنوان نگهداری از حیوانات خانگی مد می‌شود، همراه با غفلت‌های زیادی از درک حیوانات، جهان حیوانات، روان‌شناسی حیوانات و حقوق حیوانات است. به باور این فعال حقوق حیوانات «رها کردن حیوانات در بزنگاه‌های اینچنینی آن روی سکه محبت‌های ساختگی و سطحی به حیوانات است. گمان می‌رود بسیاری از افرادی که حیوان خانگی دارند نسبت به این مسائل ناآگاه باشند نه این‌که با علم به این آگاهی‌ها اقدام به رهاکردن حیوانات کرده باشند.»

حق حیوان، خطای انسان

ایران یکی از مصرف‌گراترین جوامع است، باوری کلی وجود دارد مبنی بر این‌که ما صاحب جامعه‌ای مقلد هستیم و بر همین اساس به نوعی نگهداری از حیوانات خانگی را «مصرف» می‌کنیم، آن هم به مثابه یک نوع سبک زندگی که چندان هم سنجیده نیست. اما باوری هم وجود دارد مبنی بر این‌که اساس نگهداری از حیوانات خانگی را امری غیراخلاقی می‌پندارد. اردشیر منصوری این باور را بسط یافته نظریه تام ریگان می‌داند؛ متفکری که به حقوق حیوانات باور دارد و برای آن استدلال‌هایی فلسفی عرضه کرده‌است. استدلال‌هایی که در چارچوب فلسفه اخلاق می‌گنجند. او در کتاب حق حیوان، خطای انسان. که در ایران هم ترجمه و منتشر شده است. در پی پاسخ دادن به بعضی پرسش‌های بنیادین است؛ پرسش‌هایی مانند این‌که آیا همه انسان‌ها، و تنها انسان‌ها، از جایگاه اخلاقی برخوردارند؟ چه چیزی اعمال درست را درست می‌سازد؟ حقوق اخلاقی چیست؟ آیا همه انسان‌ها از حقوق اخلاقی برخوردار هستند؟

در این کتاب علاوه بر آنچه ذکر شد، پرسش‌های بی بدیلی را هم طرح می‌کند؛ ازجمله: آیا همه موجودات حساس، و تنها موجودات حساس، از جایگاه اخلاقی برخوردارند؟ چه چیزی اعمال غلط را غلط می‌سازد؟ آیا هیچ حیوان غیرانسانی از حقوق اخلاقی برخوردار است؟ آنچه واضح است این که از میان دو پرسش «آیا همه انسان‌ها، و تنها انسان‌ها، از جایگاه اخلاقی برخوردارند؟» و «آیا همه موجودات حساس، و تنها موجودات حساس، از جایگاه اخلاقی برخوردارند؟» تنها یکی می‌تواند صحیح باشد و تکیه کتاب تام ریگان این است که بررسی کند کدام یک از این دو پرسش صحت دارند. منصوری می‌گوید: «برخی دیگر هم معتقدند اساسا اهلی کردن حیوان چه برای استفاده از گوشت آن و چه برای باربری و غیره به نوعی دست‌درازی و زیاده‌خواهی انسان بوده‌است و به نوعی باعث بر هم خوردن چرخه زیستی یا اکوسیستم شده است. ممکن است این نگاه در ظاهر کمی رادیکال به نظر بیاید اما هرگونه بهره‌کشی از حیوان یا خارج کردن حیوان از شرایط طبیعی‌اش را زیر سوال می‌برد.»

یادداشت:

امیر سبزی

فعال حقوق حیوانات

حیوان کالا نیست

بدیهی است که جامعه نگهدارنده از حیوانات خانگی در ایران خیلی آگاهی کمی نسبت به حقوق حیوانات دارند، مادامی که ما حیوان را به مثابه یک کالا نگاه کنیم اتفاقات بسیار دردناکی می‌افتد از جمله این‌که ممکن است از حیوانات بهره‌کشی کنیم، در نگهداری از حیوانات قصور می‌کنیم، به عنوان یک ابزار درمانی به حیوان نگاه می‌کنیم و اتفاق‌های مشابه دیگر. چیزی که به عنوان حیوان همدم یا آنچه به عنوان «پت» شناخته می‌شود هم شامل این موارد است. افرادی که حیوانی را خریداری یا در بهترین حالت به سرپرستی می‌گیرند هم خیلی به شرایط زیستی و نگهداری حیوان آگاه نیستند. در این شرایط طبیعی است که وقتی یک خطر جانی مثل فراگیری ویروس کرونا پیش بیاید جان خودشان را ارجح بر نگهداری و مراقبت آن حیوان می‌دانند. ما فاصله زیادی نسبت به آن ایده‌ال یا استاندارد موجود در دنیا داریم. ماجرا ازین قرار است که در چارچوب فکری و اخلاقی در بحث حقوق حیوانات آنها آزاد فرض شده‌اند. یعنی آزادی بدون درد و رنج جزو حقوق اولیه حیوانات در این چارچوب است، بدیهی است که بخشی از درد و رنج هم معطوف به شرایط فیزیکی و ارگانیسم حیوان است و بخش دیگرش مربوط می‌شود به روان حیوان.

اگر به هر دلیلی مسؤول نگهداری از حیوان هستیم، چه خودخواسته و چه خودخواهانه باید به هر دو بعد این ماجرا توجه داشته باشیم. در بعد روانی حیوان بسیار کمتر توجه شده است و همچنان کلیشه ذهنی اشتباهی وجود دارد که معتقد است حیوان برای مصرف کردن است.

این موضوع نه فقط درباره حیوانات همدم که درباره استارتگاه‌ها هم صدق می‌کند. این‌که مدام از این حیوانات بهره‌کشی می‌شود و وقتی سوال می‌کنیم پاسخشان این است که حیوان اینجا شرایط زیستی خوبی دارد! به این مفهوم که غذایش به وقت است و ریسک کشته‌شدن آن هم کمتر. یعنی همه این موارد معطوف به این باور است که حیوان تنها شامل یک جسم است و همچون یک خودرو ما از آن نگهداری می‌کنیم. وقتی حیوانات خانگی را وابسته به این شرایط زیستی می‌کنیم آن هم بدون توجه به همه دردهای روان تنی که دچارش شده است، به نوعی در چرخه زندگی او دخالت کرده‌ایم و حالا اگر این حیوان را رها کنیم میزان تاب آوری حیوان بسیار پایین‌تر از حد معمول خواهد بود.

رد برخی از این رفتار و نادیده گرفتن بعدهای روانی حیوان در مورد حیوانات شهری و خیابانی هم مشاهده می‌شود. به شکلی که نوع ارتباط ما با این حیوانات به جای این‌که یک رفتار محترمانه باشد، رفتاری تهاجمی است.